

حکایت حضرت شمس تبریزی در خانه جناب مولانا روم



اینست مجسمه و زیارت حضرت شمس

اینست زیارت و تصویر جناب مولانا روم

صاحب دوستان عزیز و خواننده گان محترم!

چنین روایت بوده که شبی حضرت شمس در خانه جناب مولانا رحمته الله علیه مهمان بوده که بعد از ادای نماز خفتن دروازه کوچه آنبارک به شدت تک ، تک زده شده و جناب مولانا گفتند که یا شمس در این وقت شب در عقب دروازه کوچه من کی باشد و من از شما خواهش مینمایم که قبول زحمت کشیده آنرا باز نمائید و تا معلوم شود که در عقب دروازه کوچه من کی است.؟

حضرت شمس فرمودند که یا مولانا اگر من دروازه کوچه شما را باز نمایم یقین کامل دارم که کشته میشوم. جناب مولانا فرمودند که یا شمس چیزیکه رضای خداوند ج باشد همان طور میشود و زمانی که حضرت شمس در همان تاریکی شب دروازه کوچه را باز مینماید که توسط شخصی ناشناس چندین ضربه کارد در شکم آنبارک حواله شده که به اثر ضربه های کارد یک چیغ بلند زده و نقش بر زمین شده که فوراً جناب مولانا آمده و متوجه شده که در دهن دروازه کوچه اش بجزیک لخته خون کدام چیزی دیگر نبوده و میگوئید همان چیزیکه جناب حضرت مولانا در وجود حضرت شمس تبریزی دیده بود آنرا در وجود خود هم دیده و همچنان میگویند که شخص قاتل پسر جناب مولانا رومی بوده. این حکایت را در سال ۱۳۴۸ شنیده بودم و آنرا نقل قول بشما نگاهشته و امیدوارم که مورد علاقه تان واقع گرفته باشد.

نوشته عزیز حیدری

AzizHaidari@hotmail.com

ماه قوس ۱۳۷۷ مطابق برج دسمبر ۱۹۹۸ عیسوی